



فرهنگی/ **با مرور کلی بر آنچه فعالان حوزه فرهنگ و هنر در فضای مجازی نوشته‌اند فصل مشترکی پیدا نمی‌کنیم جز دعوت به تماشای یک تیم تولید برای کار تازه‌شان. نوشته‌های بازیگران سریال «خانون» تینا پاکروان و «میدان سرخ» ابراهیم ابراهیمیان که از روز جمعه ۱۶ شهریور ماه پخش آن در نمایش خانگی آغاز شده از همین دست پست‌های مشترک است. فارغ از این پیشنهادها، همچنان فضای مجازی، مجالی برای اطلاع‌رسانی درباره اخبار موفقیت‌ها یا تولیدات تازه است؛ از جمله نیکی کریمی که در صفحه اینستاگرامش از حضور فیلم تحسین‌شده‌اش «آتابای» در بخش مسابقه آسیا پاسیفیک خبر داده است و یا روح الله حجازی که از اولین همکاری‌اش با مهران غفوریان در سریال «نوبت لیلی» برای پخش در نماوا نوشته است.**

کیومرث مرادی، کارگردان تئاتر که به‌عنوان مسئول انتخاب بازیگر در سریال «زخم کاری» حضور داشته این خبر از بازی خوب جواد عزتی در این سریال تقدیر کرده است. در بخشی از یادداشت مفصل اینستاگرامی او آمده: «من او را خیلی خوب درک می‌کنم وقتی با چشم‌هایش آرام به متن و دیالوگ می‌نگرد و آرام گوشه‌ای فکر می‌کند و مدام در ذهنش با خودش حرف می‌زند. چون او بازیگری است که مسیری طولانی را طی کرده، مسیری که نه شانس بود و نه حمایتی، مسیر او در جهان بازیگری مسیری است که او با سختی‌های بسیار زیست کرده است و مطمئن‌اگر با او همکاری بشوی زیستن‌اش در این راه طولانی با همان تردیدها و شک‌ها و اضطراب‌ها بوده است، قشقه‌های او شاید نگاه او را می‌سازد، لرزش صدایش و آرامش‌اش را در هنگام بازیگری من در طول بازی مالک، به دقت به رفتارها و عمل‌های نمایشی که جواد عزتی خلق کرده بود نگاه می‌کردم، توجه‌ام بیشتر به خلق عمل توأم با احساسی بود که انگار بازیگر سال‌ها با آن زیست کرده است، ترس‌هایش، تردیدهایش، اضطراب‌هایش، باورها و خشم‌هایش، همه نشان از بازیگری است که فارغ از دانایی‌اش نسبت به تکنیک، بی‌هیچ تلاشی، آن لحظه‌های مهم را با رجوع به طول زندگی‌اش پیدا می‌کند و نتیجه خلق آن لحظه تأثیر و باوری است که بر مخاطب می‌گذارد.»

محمد حسین مهدویان کارگردان «زخم کاری» هم با گذشت یک هفته از پخش آخرین قسمت این سریال، دوباره به فضای اینستاگرام بازگشته، از عوامل تولید و مخاطبان سریال تشکر کرده و از اشتیاق برای دریافت بازخورد مخاطبان نوشته. او در بخشی از متنی که منتشر کرده آورده: «در پانزده هفته گذشته هر پنجشنبه همراه با سجاد، هادی، مهرشاد، امین، حبیب، حسین، بچه‌های استودیو روشنا و دوستان نازنین فیلیمو، شب را با اضطراب شیرین آماده‌سازی قسمت جدیدی از سریال زخم به صبح رساندیم و در میان فشار و خستگی فقط به این می‌اندیشیدیم که آیا محصول تلاش‌مان به چشم شما خواهد آمد یا نه؟ سخت بود اما حالا در اولین جمعه بدون زخم کاری برای همه آن فشارها، خستگی‌ها، شب‌بیداری‌ها و انتظار شیرین خواندن اولین کامنت‌ها دلم تنگ شده است.»

نرگس آبیار نقاشی‌های کودکان ایرانی برندگان مسابقه زمین در سال ۲۰۲۰ جی کیوای ژاپن را در اختیار گرفته‌اند. «در پانزده هفته گذشته هر پنجشنبه همراه با سجاد، هادی، مهرشاد، امین، حبیب، حسین، بچه‌های استودیو روشنا و دوستان نازنین فیلیمو، شب را با اضطراب شیرین آماده‌سازی قسمت جدیدی از سریال زخم به صبح رساندیم و در میان فشار و خستگی فقط به این می‌اندیشیدیم که آیا محصول تلاش‌مان به چشم شما خواهد آمد یا نه؟ سخت بود اما حالا در اولین جمعه بدون زخم کاری برای همه آن فشارها، خستگی‌ها، شب‌بیداری‌ها و انتظار شیرین خواندن اولین کامنت‌ها دلم تنگ شده است.»

نرگس آبیار نقاشی‌های کودکان ایرانی برندگان مسابقه زمین در سال ۲۰۲۰ جی کیوای ژاپن را

رو دوباره تجربه کنیم.»

رو دوباره تجربه کنیم.»



بخشی از صحبت‌های این بازیگر در گفت‌وگو با مهر درباره سریال‌سازی در ایران

همراهی با تنی چند از اهالی فرهنگ در روز گرامیداشت شعر و ادب فارسی

خوشبختیم که از ساکنان زبان فارسی هستیم

بارها شنیده‌ایم و باز هم می‌شنویم که دوره شعر و شاعری گذشته! حتی برخی با جدیت بیشتر از این می‌گویند که شعر برای آن موقع‌هایی بود که نه سینمایی بوده و نه خبری از تکنولوژی‌های ارتباطی امروز. با وجود همه این گفته‌هایی که نه مجالی برای درج همه آنهاست و نه حوصله‌ای، شعر بخش گرانبهایی از فرهنگمان است و حالا که بیست و هفتم شهریور ماه، روز گرامیداشت شعر و ادب فارسی فرا رسیده، به همین مناسبت گفته‌های برخی اهالی فرهنگ را درباره چرایی ضرورت توجه دوباره به شعر دیروز و امروزمان جویا شده‌ایم که می‌خوانید.

■ حجله‌گاه‌عروسان خیال...

شعر با آدمی به دنیا می‌آید و کم‌کم تکه‌ای از جان او می‌شود، نمی‌دانم چرا برخی از نظریه‌داران عقیده دارند دوران شعر به‌سر آمده، مثل این است که بگوییم آدمی برای ادامه زندگی دیگر به آب یا هوا نیازی ندارد، شعر ابزار احساس ماست، شعر از مهمترین لوازم زندگی آدمی است و ما چه خوشبختیم که از ساکنان زبان فارسی هستیم، زیرا اگر که ما در قله شعر جهانیم به خاطر ارزش‌های زیباشناختی- مفهومی زبان فارسی است، به همین دلیل مولوی و خیام از ایران مشهورترند. بخاطر واژه‌های آهنگین و دلبرانه این زبان است، حتماً دیگر سرزمین‌ها هم فردوسی و مولوی و حافظ و سعدی داشته‌اند، اما شعرشان به قله ادبیات جهان نرسیده‌است، چنانکه یونانی‌ها ساکنان زبان لاتینی، با فیلسوف‌ها و درام‌نویسان تاریخی‌شان به قله فلسفه و درام رسیدند، من در شعر شاعران دیگر زبان‌ها کنجکاو‌ی‌ها کرده‌ام، شعرهاشان مماس با ارزش‌های زیباشناختی شعر فارسی نیست، این ویژگی زبان فارسی است که به ما شاعران کم‌مانندی هدیه کرده، چنانکه ما در زبان فارسی شاعران بلندآوازه بسیار داریم که ایرانی نیستند و هرگز ایران را ندیده‌اند، اما شعرهایی ماندگار سروده‌اند، زیرا آنها هم از ساکنان زبان فارسی بوده‌اند. دو دیگر اینکه همه انسان‌ها بالقوه شاعرند و شعر به جان همه نشتی دارد، اما برخی فروغ، شاملو، یا اخوان می‌شوند، خود شما هم شاعریده‌زیرا هنگامی‌که شعری را می‌خوانید، دچار همان رویاها و تخیلی می‌شوید که شاعر هنگام سرودن شعرش دچار بود، منتها فرق شاعری که آن شعر را سروده با آن که شعر او را می‌خوانم، (به قول یکی از نظریه‌دارها) تفاوت «کرسنت کلم» است، با صدفی که امروز سوار هواپیما می‌شود و به آسانی به امریکا می‌رسد، پس همه بالقوه شاعریم که در تنگنا و رنج‌ها بالفعل می‌شویم، شعر در جانشان قل قل می‌زند، شکر میان کلامم، مایلم الا خاطره‌ای را برایتان تعریف کنم، در آن سال‌های دور شده در دورانی که داشجوی بودم به علت سوءتفاهمی چند روزی زندانی شدم که متأسفانه خیلی زود آزادم کردند، اما در همان چند روز ملتفت شدم که تقریباً همه هم‌بندانم شعر می‌گویند، همه، حتی نگهبان‌ها، آنها شعرهاشان را برای من می‌خواندند، به کیفیت شعرها کاری ندارم، مقصودم این است که همه شاعر بودند و دائماً شعرهای خودشان را برای من می‌خواندند، شاید من تنها شنونده سروده‌هایشان بودم، بلد بودم با دقت و همدردی شعر هم‌بندانم را بشنوم، آنهاهم چنان مرا دوست داشتند که وقتی شنیدند آزاد می‌شوم، اغلب با بغض می‌گفتند ما چه‌کار کنیم که تو را آزاد کنند، آخر حیف نیست که تو آزاد شوی، آنها از آزادی من غمگین بودند چون کمتر کسی حاضر بود شعرشان را بشنود، پیداست شاعرها شعر می‌سرایند برای آنکه شعرشان را برای دیگرها بخوانند، بخوانند شعر در گلویشان قلمبه‌بده و ناخوش می‌شوند، به‌همین خاطر خیام یک‌راز بزرگ است که در طول زندگی هرگز شعرش را برای کسی نخواند. و هیچ‌کس نمی‌دانست خیام شاعر است، تازه صد سال پس از عزیمتش به عالم‌ناز، نظامی عروضی قاش ساخت که خیام شاعر هم بوده است. در آخر بگویم که به نظر من ویروس‌ها تأثیری بر شعر ندارند، زیرا در زمان فردوسی و حافظ و بقیه هم ویروس‌ها بوده‌اند ولی هرگز نتوانسته‌اند آسیبی به شعر ما برسانند.

■ شعر خوب زمانه‌سرش نمی‌شود

شعر در تلفیق با هنری همچون موسیقی برد دوسوهای را رقم می‌زند، همه برای اهالی موسیقی و هم برای کمک به برقرار ماندن شعر در زندگی‌مان. هرچند که امبدوارم از گفتمان این‌گونه برداشت نشود که شعر در زندگی امروز مردمان نیست، ادبیات، حالا هم در زندگی‌مان حضور دارد منتها بخشی از آن در زمره ادبیات جدی‌مان محسوب نمی‌شود، بویژه آن قسمتی که در فضای مجازی و در خلال شبکه‌های اجتماعی منتشر می‌شود. اشعاری از بزرگانی همچون حافظ، فردوسی، سهراب سپهری و قیصر امین‌پور را ببینید، همه اینها مواج‌های عالمانه با شعر دارند. محال است به کلمه یا مضمونی در سروده‌های آنان برخورد کنید که گویای استفاده نابجا باشد. اهالی موسیقی با بهره‌مندی از شعر دیروز و امروزان می‌توانند مردم را بیش از پیش به شعر خوب متمایل کنند. البته چگونگی بهره‌مندی آنان از ادبیات هم مهم است، بی‌قاعد و بدون شناخت نمی‌توان سراغ شعر رفت. خود من علاقه بسیاری به شعر که دارم بویژه که برخلاف عنوان ظاهری‌اش خاص دوران گذشته با زمان خاصی نیست، آنچنان که حتی اگر امروز هم شعر سعدی و مولانا را بخوانیم باز هم نو هستند. گاهی آنقدر منطبق بر شرایط فعلی‌مان هستند که آدم دچار تردید می‌شود. انگار نگاه‌ا که متعلق به دوره‌ای دیگر بوده‌اند. شعر بزرگان ادبیات کلاسیک‌مان همان‌قدر به کار امروزان می‌آید که شعر استادانی همچون ابتهاج و شفیعی کدکنی. شعر خوب زمان سرش نمی‌شود، در هر دوره و زمانه‌ای و در هر اوضاع و احوالی می‌توان سراغش رفت. در مواجهه با ادبیات بهتر است با وسواس خاصی به آن نگاه کنیم. حتی در جایگاه یک علاقه‌مند عادی هم هر چیزی را به‌عنوان شعر قبول نکنیم، بدانیم که اثر خوب نیازمند برخورداری از یک سری شاخص‌های ادبی است. از همین باب‌ت هم تأکید دارم اهالی موسیقی قبل از آنکه سراغ شعر فارسی بزنند بهتر است دست به مطالعه بزنند، ابتدا آن را بشناسند تا در نهایت دست به انجام کاری اصولی در تلفیق این دو هنر از رنشمند بزنند. خوشبختانه موسیقی سنتی ایرانی از دیرباز پیوند نزدیکی با شعر داشته و تا جایی که خود من با این عزیزان در تعامل هستم می‌دانم که شناخت خوبی از شعر دارند. اما در شاخه‌های دیگر شاید شرایط قدری متفاوت باشد.

■ **از تلاش برای جلب توجه جوانان به شعرغفلت نکنیم**
روژگار امروزان با بی‌توجهی اهالی هنر به شعر همراه شده، البته نمی‌گویم همه. اما حضور کم‌رنگی از شعر فارسی در سینما و تئاترمان دیده می‌شود. باز شرایط موسیقی به‌مراتب بهتر است، حداقل در موسیقی ایرانی با هنرمندان خوبی مواجه هستیم که شعر دیروز و حتی امروزان را می‌شناسند. بابت همین خلأ است که بخشی از کارهایی که در تئاتر کارگردانی کرده‌ام بر ادبیات کهن‌مان استوار شده‌اند،

مر تفضی ضرابی : میر باقری کارگردان خاص و با کیفیتی است

داود میرباقری یکی از نویسندگان کارلیدو کارگردانان خوبی است که در عرصه سریال سازی فعالیت می‌کند. متن‌های او فاخر است و دیالوگ‌هایی که می‌نویسد خاص و سخت است، بازیگر باید تلاش کند تا بتواند به این دیالوگ‌ها ادای دین کند. گفتن درست این دیالوگ‌ها واقعاً بازیگر خودش را می‌خواهد. حتی بازی در نقش‌های کوتاه آثار آقای میرباقری هم دشوار است. به همین دلیل است که حتی نقش کوتاه کارهای ایشان را هم باید هنرپیشه حرفه‌ای بازی کند. بارها با پخش سریال رادیو هام، استقبال مردم از سریال خیلی خوب بود و بیکرش بودند. آن زمان اینقدر ترافیک پخش سریال در تلویزیون هم بالا نبود و این حد شبکه‌های مختلف وجود نداشت. مثلاً ارزش سریالی مثل «معصومیت از دست‌رفته» بندریج مشخص می‌شود. اگر چه در گذشته، سریال‌های تلویزیون از نظر کمی چندان قابل توجه نبودند اما کیفیت خیلی خوبی داشتند. هنوز هم سریال‌های سال‌های ابتدای دهه ۶۰ و بخصوص مجموعه‌های تاریخی و مذهبی فاخر در میان مردم خیلی پر طرفدار است.

بخشی از صحبت‌های این بازیگر در گفت‌وگو با مهر درباره سریال‌سازی در ایران



آدمیزاد می‌تواند اگر بخواهد کوه‌ها را جابه‌جا کند، می‌تواند آب‌ها را بخشاند، می‌تواند چرخ فلک را به هم بریزد... آدمیزاد حکایتی ست. حکایت شیرین، حکایت تلخ، حکایت زشت...

سوسون سپمین دانشور

تاریخ نهضت عاشورا-۳۳

انتساب کتابی سست به یکی از عالمان دین

«نورالعین فی مشهد الحسین» اگرچه از سوی عاشورا پژوهان مورد نقد جدی قرار دارد اما همواره یکی از منابع تاریخ عاشورا به‌شمار رفته و برخی در نقل حوادث آن نیم روز تاریخ‌ساز به آن مراجعه کرده و بدان ارجاع می‌دهند. این کتاب به زبان عربی بوده و منسوب به فقیه شافعی، ابراهیم بن محمد اسفراینی مشهور به ابواسحاق اسفراینی (۳۳۷-۴۱۸ ق) است. محتوای این کتاب شامل گزارش‌هایی پیرامون حادثه کربلاست که عاشورا پژوهان بسیاری از روایت‌های آن را ساختگی و غیرمستند می‌دانند. این اثر بدون فصل بندی و عنوان بندی بوده و نویسنده برای گزارش‌های خود، سندی ارائه نکرده و هر گزارش را با تعبیر «قال الراوی» آغاز کرده است. از این‌رو ساختار نگارشی آن شبیه داستان و عام‌پسند است.

میرزا محمد ارباب در «اربعین حسینه» می‌گوید: نورالعین کتابی است بی‌اعتبار و مجهول المؤلف.

سید محمد علی قاضی طباطبائی نیز در چند جادرباره نورالعین می‌نویسد: «مقتل اسفراینی از کتب بسیار ضعیف و غیر قابل اعتماد است... مقتل اسفراینی که در ضعف و مجعول بودن مانند مقتل منسوب به ابی مخنف است... کتاب مقتل اسفراینی پر از جعلیات و نقلیات قصه‌سرایان است.» (تحقیق درباره اول اربعین سیدالشهدا ص ۳۲، ۴۲ و ۳۵۲)

فضل‌علی قزوینی هم در کتاب «الامام الحسین و اصحابه» می‌نویسد: «هرکس در مقتل چاپ شده نورالعین نگاه کند دروغ‌هایی را در آن خواهد شناخت و چیزهایی که شیعه وسنی بر خلاف آن اتفاق کرده‌اند خواهد دید. گزارش ساخته‌های وی برای ما مهم نیست و هرکس که می‌خواهد به مقتلش نگاه کند، زی‌ما به هر چه که او به تنهایی نقل کند اعتمادی نداریم.» (الامام الحسین و اصحابه ص ۱۵۰) عاشوراپژوهان معتقدند در این کتاب به قدری دروغ‌های عجیب و غریب و خلاف عقل، فراوان است که نمی‌توان آن را منتسب به ابواسحاق اسفراینی، فقیه شافعی دانست.

عاشوراپژوهان، برخی تحریفات راه یافته در نورالعین را این‌گونه ذکر کرده‌اند: /امام حسین (ع) که از مدینه به مکه رفته بود از مکه به مدینه برگشت و سپس از مدینه به‌سوی کوفه و کربلا رفت. / یاران امام حسین (ع)، شب عاشورا از او بریند و پراکنده شدند و به سپاه عمر بن سعد پیوستند. /حضرت زینب(س) پس از مشاهده سر برادر روی نیزه، سر خود را به چوب محمل کوبید و شکافت...و...

شرح حال نویسان ابواسحاق اسفراینی را مردی دانشمند که قبه و متکلم بوده معرفی می‌کنند و در ترجمه احوال وی آورده‌اند که در جوانی در طلب علم به عراق رفت و در بغداد اقامت گزید. چندی بعد در حالی که همگان به فضل و تقدم او اقرار داشتند، به اسفراین بازگشت، ولی پس از مدتی با اصرار نیشابوریان به نیشابور رفت. در این شهر مدرسه‌ای بی‌نظیر برای او ساختند که در آن به تدریس و گفتن حدیث پرداخت. پس از ابوطاهر زبادی (۴۱۰ ق) مجلس درسی در مسجد عقیل نیشابور برای او ترتیب دادند که مشایخ آن دیار در آن حضور می‌یافتند. همچنین رجال شناسان از او تحلیل فراوان کرده‌ووی را رتفه دانسته‌اند. بنابر نقل کمال‌الدین فارسی ریاضیدان ایرانی در عصر طلایی تمدن اسلامی، ابواسحاق اسفراینی فقهی متعهد و متبحر در علوم، کوشا در عبادت و پرهیزگار و خویشتندار بوده و آرای فقهی و اصولی او در منابع مختلف شافعی مورد توجه قرار دارد. براین اساس و با این استدلال که در شرح حال وی از سوی شرح‌حال نویسان اشاره‌ای به چنین کتابی نشده و هیچ‌کدام از منابع قدیمی، چنین کتابی را در شرح حال او گزارش نکرده‌اند. انتساب این کتاب را به ابواسحاق اسفراینی از اشتباهات تاریخی برمی‌شمردند. اما برخی همچون «آقا بزرگ تهرانی»، «اسماعیل پاشا بغدادی» و «الیان سرکیس» همچنان بر تألیف نورالعین به قلم ابواسحاق اسفراینی بافشاری دارند. سیدعبدالعزیز طباطبائی رجالی ونسخه شناس ده‌های اخیر نیز در «اهل البیت فی المکتبه‌العربیة» می‌نویسد: «من احتمال می‌دهم که این کتاب، ساختگی و منتسب به اسفراینی است، چون اسلوب آن با آثار قلمی قرن چهارم سازگار نیست.»

نورالعین فی مشهد الحسین(ع)، نخستین بار در قاهره (۱۲۷۱ ق) و سپس بارها از جمله همراه با کتاب قره العین فی اخذ ثارالحسین(ع) در ربمبی (۱۲۹۲ ق) / ۱۸۷۵ م) به چاپ رسیده است.



عکس نوشت

همزمان با فصل تولید کشمش طلاپی در استان کردستان، مراسم سنتی کشمش «بولاول» در روستای «دولاب» سندج در حال برگزاری است. / الینا